

# حقوق بشر در دانمارک

## گزارش سفر تحقیقاتی

تنظیم: محمد ساریخانی

در اولین روز تشکیل جلسات به جهت مسافرت مدیر نهاد ملی حقوق بشر دانمارک آقای مورتن کجاروم (Mr. Morten Kjaerum) به آمریکا، خانم بیرجیت لیندناس (Ms. Birgit Lindnaes) ضمن معرفی خود بعنوان قائم مقام سازمان و خوش آمدگویی به اعضای هیأت، مختصری در مورد ساختار تشکیلاتی نهاد ملی حقوق بشر دانمارک که از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل و علیرغم اینکه بودجه سازمان از طرف دولت دانمارک تأمین می‌شود لیکن یک نهاد مستقل بوده و به عنوان قویترین سازمان حقوق بشری در اروپا با سازمانهای داخلی از جمله دانشگاهها و کانون و کلاء و احزاب سیاسی و اقلیتها و نیز مجامع بین المللی هم چون سازمان ملل متحد و دیوان اروپایی حقوق بشر و شورای اروپا و دادگاههای بین المللی در زمینه حقوق بشر همکاری داشته است توضیحاتی را ارائه و نهایتاً هدف سازمان را تلاش جهت درک و گسترش حقوق بشر در بین مردم اعلام نمود.

جلسه بعد آقای تریهانسن مطالبی را راجع به موضوع عنوان شده مطرح نمود بنا به اظهارات وی در کشور دانمارک چهار نوع دادگاه عالی وجود دارد ۱- دادگاه ویژه رسیدگی به شکایت علیه

بنا به دعوت نهاد ملی حقوق بشر دانمارک و با پیشنهاد و همکاری مسؤول محترم کمیسیون حقوق بشر اسلامی در تهران و به همت معاونت آموزش دادگستری استان تهران که در مقطع دکتری حقوق قالب انجیو مرکب از ۱۱ نفر از قضات دادگستری استان تهران که در مقطع دکتری حقوق (بورسیه دادگستری) در حال تحصیل هستند به همراه احدی از کارشناسان کمیسیون که زحمت کار مترجمی گروه را نیز تقبل نموده بود برای طی یک دوره علمی کاربردی حقوق بشر با محوریت موضوع دادرسی عادلانه (fair trial) از تاریخ یکشنبه یازدهم دسامبر (بیستم آذر ماه ۱۳۸۴) تا هفدهم دسامبر ۲۰۰۵ (بیست و ششم آذر ماه) راهی محل استقرار نهاد، واقع در کپنهاک پایتخت کشور دانمارک گردیدند. موضوعاتی که در این دوره مطرح شد عبارتند از: ۱- استانداردهای بین المللی مربوط به استقلال و بی طرفی قضات و اجرای آنها در دانمارک و همچنین بحث اجرای احکام که هر دو توسط آقای توماس تریهانسن (Mr. Thomas Trier Hansen) رئیس تیم دسترسی به عدالت نهاد ملی حقوق بشر دانمارک ارائه شد ۲- رفتار با بازداشت شدگان و زندانیان از جمله در خلال دوره تحقیق توسط آقای آندرس فولمر بوهلت (Mr. Anders Folmer Buhelt) مدیر پروژه نهاد ملی حقوق بشر دانمارک ۳- استانداردهای بین المللی، آزادی و امنیت شخصی و دادرسی عادلانه توسط آقای فرگوس کریگان (Mr. Fergus Kerrigan) رئیس تیم آموزش نهاد ملی حقوق بشر دانمارک ۴- رعایت حقوق مظنونین و قربانیان جرائم در مرحله قبل از محاکمه و اجرای قوانین مربوطه در دانمارک توسط آقای لرس پلوم (Mr. Lars Plum) معاون دادستانی پلیس دانمارک ۵- موضوع شکنجه که از سوی پزشک دانمارکی پروفیسور بنت سارنسن (Mr. Bent Sorensen) عضو سابق کمیته منع شکنجه سازمان ملل مطرح گردید. همچنین از دو مرکز پلیس و زندان و دو دادگاه (کشیک و محلی) بازدید بعمل آمد.

برای محکوم علیه (مستاجر) قرائت نموده و سپس توسط یک شرکت حمل و نقل (ترانسپورت) تمام وسایل از محل خارج و پس از تعویض قفل‌های مکان مورد نظر، تحویل مالک می‌شود.

اما اجرای حکم در امور کیفری: مسؤول اجرای حکم کیفری حبس مشاورین حقوقی زندان‌ها هستند که امروزه در دانمارک بعنوان مشاور حقوقی در زندانها کار می‌کنند.

وقتی متهمی به زندان محکوم می‌شود از حوزه پلیس تحویل گرفته و در زندان در اختیار این مشاورین حقوقی قرار می‌گیرد مشاورین حق نظارت بر زندانی را دارند. برگزاری دوره آموزشی و خدمات و کار زندانی نیز بعهده آنهاست هم چنین برای زندانیانی که تمایلی به کار در داخل زندان ندارند در خارج از زندان برای یک مدت محدود کار فراهم می‌کنند حتی مشاورین اختیار آزادی زندانی را نیز دارند.

به هر صورت آنها سعی می‌کنند زندانی را برای ورود به اجتماع آماده سازند. در دانمارک تعداد ۱۳ زندان مرکزی و ۳۷ زندان محلی وجود دارد که از این تعداد ۲۳ زندان به جرائم سبک و خفیف اختصاص دارد. در ضمن برای اشخاصی که محکوم به حبس شده‌اند ولی در زندانها جایی برای نگهداری آنها وجود ندارد لیستی تحت عنوان لیست انتظار تهیه شده که با ترخیص تدریجی زندانیان از محکومین مندرج در لیست برای تحمل حبس به زندان دعوت می‌شوند در حال حاضر ۲۳۵ نفر در لیست انتظار قرار دارند لیست انتظار معمولاً برای مجازات‌های خفیف است (مثلاً ۶۰ روز زندان) سعی شده است که در سال ۲۰۰۶ هیچ زندانی‌ایی در لیست انتظار نباشد و یکی

دیگر از کیفرها جریمه نقدی است که معمولاً برای افرادی که تحت عنوان خشونت تعقیب شده‌اند صادر می‌شود اگر شخصی به پرداخت غرامت در حق خانواده قربانی محکوم شده است ولی توانایی پرداخت آنها ندارد دولت آنها تقبل نموده و به خانواده قربانی می‌پردازد و سپس به صورت اقساط آنها از محکوم می‌گیرد نکته آخر اینکه کسی را به‌خاطر جزای نقدی یا غرامت به زندان نمی‌فرستند.

### • بازدید از مرکز پلیس هلسینگر:

(Helsingør Police Station)

طی بازدیدی که از مرکز پلیس هلسینگر شد آقای استاد سگار (mr. Knud. tadsgaard) فرمانده مرکز اظهار داشت ۵۴ مرکز پلیس در کل دانمارک وجود دارد که هلسینگر هفتمین آن است و ۱۵۰ هزار نفر جمعیت را زیر نظر دارد در کل دانمارک تعداد ۱۰۵۰۰ پلیس فعالیت دارند که ۴۰۰ نفر از

به استخراج قاضی در شرایط حاد ۲- جریمه ۳- تعلیق مجازات ۴- توبیخ. ناگفته نماند که قاضی می‌تواند به دیوان عالی کشور اعتراض نماید.

### • اجرای احکام در دادگاههای دانمارک:

در دانمارک مهلت تجدیدنظر خواهی در امور حقوقی ۲ هفته و در امور کیفری ۴ هفته است. همانطور که دادرسی در مهلت معقولی باید انجام پذیرد و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی سیاسی به این مسئله اشاره و تأکید دارد، حکم نیز در مهلت معقولی باید اجراء شود تأخیر در اجرای حکم خود نقض حق دادرسی عادلانه است.

در مورد اجرای حکم دو اصل مطرح است یکی اصل اجرا و دیگری اصل اجبار به اجرا. در اصل اول موضوع داوطلبانه است و افراد به اساس حکم عمل می‌کنند ولی وقتی افراد از حکم صادره تبعیت نمی‌کنند سیستمی در دانمارک است که فرد را مجبور به اجرای حکم می‌کند در مسئله اجبار، روند کار باید مؤثر، کارآمد، واضح، راحت و به دور از هر گونه اذیت و آزاری باشد.

در دانمارک دادگاهی به

اجرای احکام اختصاص دارد. در مسایل مدنی و مالی به ویژه امور ملکی مثلاً اگر شخصی بدهکار است پرونده او را به این دادگاه می‌فرستند و این دادگاه باید تصمیم بگیرد که به چه صورت محکوم علیه بدهی‌اش را پرداخت نماید لذا قاضی با طرفین مذاکره می‌کند در صورتی که دو طرف در نحوه پرداخت دین به توافق رسیدند بر اساس توافق آنان عمل می‌نماید در غیر اینصورت به محکوم اعلام می‌نماید که طلب محکوم‌ه

را بپردازد محکوم علیه می‌گوید که پول ندارم ولی اموالی برای تأمین محکوم به دارم که دادگاه اموال او را ضبط و به محکوم له مسترد می‌نماید.

در صورتی که محکوم علیه کارمند باشد قانون دانمارک اجازه می‌دهد تا ۲۰ درصد از حقوق کارمندان را بابت بدهی برداشت نمایند.

اگر محکوم علیه ملک دارد او را مجبور می‌کنند که ملکش را بفروشد و به طلبکار بدهد. در صورتی که بدهکار از کمک‌های اجتماعی بهره‌مند می‌شود دادگاه از آن منبع برداشت و به طلبکار پرداخت می‌نماید در غیر این صورت چون شهرداری و دارایی محل اطلاع کافی در مورد میزان درآمد و پس انداز هر شهروند دانمارکی دارد و بدین منظور برای هر شخص در یکی از بانکها شماره حسابی اختصاص یافته است، دادگاه از آن منبع برداشت و در اختیار طلبکار قرار می‌دهد در صورتی که حکم صادره تخلیه یک مکان استیجاری است حکم را

قضات ۲- دادگاه بازرگانی ۳- دادگاه عالی جزیره گرینلند که ۱۸ بخش کوچک دادگاهی را تحت نظارت خود دارد ۴- دادگاه تجدیدنظر غرب که ۸۲ دادگاه شهری، موارد تجدیدنظر خود را بر این دادگاه ارسال می‌نمایند. همچنین سه درجه قاضی در دستگاه قضایی دانمارک فعالیت دارند.

۱- قضاتی که به پیشنهاد و هدایت دیوانعالی کشور از طرف ملکه انتخاب می‌شوند که این دسته بیشتر مسؤول یک بخش قضایی هستند و باید بیشتر از چهل سال سن داشته باشند

۲- دستیار یا معاون قاضی که از طرف دیوانعالی انتخاب می‌شوند و مثل قاضی کار می‌کنند ولی حق دخالت در تصمیمات دادگاه را ندارند صرفاً با قاضی راجع به موضوع پرونده مشورت می‌کنند ولیکن دارای مصونیت قضایی هستند

۳- دادیاران که مثل درجه دوم از سوی شورای اداری قضات دیوان‌عالی کشور انتخاب می‌شوند ولی بعنوان دست راست قضات قبلی در موضوعاتی که دارای پیچیدگی بوده و نیاز به تحقیق دارد اقدام به رسیدگی می‌نمایند. در مجموع ۶۵۰ نفر در این سه دسته جای می‌گیرند.

در دادگاه شهری موضوعات کیفری و مدنی با هم در یک دادگاه رسیدگی می‌شود. در امور کیفری همه هزینه‌ها را دولت می‌دهد و برای اشخاصی که توانایی مالی ندارند یک وکیل و مشاور حقوقی، رایگان تا آخرین مرحله دادرسی در اختیارشان قرار می‌گیرد. در دعاوی مدنی هزینه را شخص می‌پردازد ولی اگر درآمد ماهیانه‌اش از ۲۵۰۰۰ کرون در ماه کمتر باشد هزینه دادرسی و نیز وکیل را دولت می‌دهد.

در دستگاه قضایی دانمارک دادستان کل نیز فعالیت دارد و در هر شهری شخصی بعنوان دادستان انتخاب می‌شود دادرسی سه مرحله‌ای است در جرائم جنایی که مجازات آن کمتر از ۴ سال حبس باشد ابتدا موضوع در دادگاه شهری (county court) رسیدگی می‌شود که این مرحله با حضور قاضی دادگاه و یا معاونش به اضافه دو تن از دادیاران (Assessor) جلسه تشکیل می‌شود که رأی صادره در دادگاه تجدیدنظر قابل رسیدگی مجدد است و متعاقباً متضرر می‌تواند از دیوانعالی کشور تقاضای تجدیدنظر نماید.

چه کسانی حق شکایت علیه قاضی را دارند: ۱- رئیس دادگاه ویژه ۲- سیستم اجرایی دادگاه ویژه که می‌توانند دادیاران نیز باشند ۳- وزیر دادگستری در موارد خاص ۴- یک شهروند بصورت مکتوب و طی چهار هفته پس از وقوع جرم.

شکایت به چه کسی تقدیم می‌شود: به رئیس دادگاه ویژه ارائه و ایشان تشخیص می‌دهد که آیا شکایت جدی است یا خیر؟ اگر مهم باشد موضوع به دادگاه ویژه جهت رسیدگی ارجاع می‌شود.

اعضای دادگاه ویژه چه کسانی هستند: الف - یک نفر از قضات دیوان‌عالی کشور ب- یک قاضی از دادگاه تجدیدنظر ج- یک قاضی از دادگاه شهری.

دادگاه ویژه چه تصمیماتی اتخاذ می‌کند: ۱- حکم



دارد حداکثر مدت انفرادی سه ماه است. برای افرادی که در زندانهای دیگر مرتکب جرم شوند از این انفرادی استفاده می‌نمایند. همه زندانهای دانمارک دولتی است و زندان خصوصی ندارند. در بخش نورمال آن یک هال بزرگ با کتابخانه و وسایل بازی و ورزشی، تلویزیون و یک آشپزخانه بزرگ با وسایل پخت و پز موجود بوده که در اختیار زندانیان قرار داشت افرادی که در این زندان نگهداری می‌شوند اکثراً بین سن ۱۵ تا ۱۸ سال بودند. از اتاق‌های انفرادی نیز بازدید شد که یک اتاق ۱۰ متری و لیکن دارای سرویس و کلیه امکانات اولیه برای زندگی بود. بنا به اظهار رئیس مرکز در سال ۲۰۰۴ تعداد ۱۵۰ نفر زندانی داشته‌اند که فقط یک نفر از آنها متهم به قتل بوده است و مابقی متهمین مرتکب خشونت، سرقت و مواد مخدر شده‌اند.

بحث سوم: رفتار با بازداشت شدگان و زندانبانان از جمله در خلال دوره تحقیق بود که توسط آقای آندرس بوهلت ارائه شد نامبرده در خصوص موضوع قانون‌مند شدن بازداشتی‌ها مطالبی را ارائه نمود ایشان مباحث خود را در شش بند تحت عناوین استانداردهای بین‌المللی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، منع شکنجه، مفهوم شکنجه، بررسی ادعاهای مربوط به شکنجه، قوانینی که در مورد بازداشت موجود است جمع‌بندی نمود.

در خصوص استانداردهای بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ICCPR (۱۹۶۶) و کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۴۸) به ترتیب در مورد شکنجه و بازداشت‌های خودسرانه و منع شکنجه مقرراتی دارد. مواد ۹ و ۱۰ میثاق مواردی را در خصوص نحوه رفتار با بازداشت شدگان مقرر نموده که می‌توان به این موارد اشاره کرد: باید دستگیری بر اساس قانون باشد، فوراً علت دستگیری و اتهامات به فرد تفهیم شود، فرد بازداشتی وضعیت خود را به خانواده و وکیلش اطلاع دهد اسمش ثبت شود، ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت یک قاضی به کارش رسیدگی نماید، کرامت شخص زندانی باید محترم شمرده شود. مورد دیگر پرداخت غرامت است برای افرادی که قربانی مورد بازداشت یا دستگیری غیر قانونی شده‌اند در خصوص منع شکنجه ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بدان اشاره کرده است ماده ۷ مقررات ICC شکنجه را جنایت علیه بشریت به شمار آورده است.

در خصوص مفهوم شکنجه: اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق تعریفی از شکنجه نکرده است ولی ماده اول کنوانسیون منع شکنجه معیارهایی برای آن ارائه داده است که بر آن اساس اعمال هر گونه درد و رنج شدید و جدی که روحی یا جسمی بوده و با قصد و نیت و یک هدف معین دارد شده باشد را شکنجه تلقی می‌نماید.

در کنوانسیون به این اهداف اشاره شده و از آن جمله عنوان داشته است برای گرفتن اقرار یا به منظور تنبیه یا اجبار و ترس یا تبعیض باشد که هم می‌تواند نسبت به خود فرد صورت گیرد یا شخص

قانون، مسؤول بخش تحقیق که از دادیاران است نظرات را ارزیابی می‌کند که آیا با واقعیت مطابقت دارد یا خیر؟ نظر آنها مورد قبول پلیس است چون در صورت مطابقت، اینها در دادگاه حضور یافته و موضوع را مطرح می‌کنند. در مواردی که تفتیش یا بازداشت بطور غیر قانونی صورت گرفته است یا شکایت بی‌جهتی علیه فردی شده است علاوه بر اخطار به پلیس متخلف مبلغ ۲۰۰۰ کرون غرامت به متضرر پرداخت می‌شود، برای بازداشت اضافه و کلاً موارد پرداخت کلیه مراکز پلیس طبق لیست و صندوقی که از سوی

وزارت دادگستری بدین منظور تهیه شده است اقدام به پرداخت غرامت می‌کنند.

موارد اخراج پلیس: در مواقعی که پلیس همسرش را کتک بزند یا همسرش او را کتک کاری کند یا در حین رانندگی زیاده‌تر از حد معمول الکل مصرف نماید یا مرتکب سرقت شود

و یا رشوه بگیرد بدون در نظر گرفتن مبلغ اخذ شده بلافاصله اخراج می‌گردد. پس از اتمام مطالب فرمانده مرکز، هیأت از بازداشتگاهی که در همان مرکز پلیس مستقر بود نیز بازدید نمودند. از این بازداشتگاه در صورتی که زندانهای دیگر ظرفیت نداشته باشند استفاده می‌شود ولی در حال حاضر برای افرادی که از سایر مراکز اعزام می‌شوند بعنوان زندان استفاده می‌شود ظرفیت زندان ۶۹ نفر بوده و این زندان جزء زندانهای بسته محسوب می‌شود زندان دارای ۵ بخش است و یک بخش انفرادی

آنها حقوقدان (دادیار) هستند مرکز هلسینگر ۲۰۰۰ پلیس دارد بالاترین مقام در پلیس، وزیر دادگستری است تمام مدیران پلیس در مورد مسایل قضایی به وزیر دادگستری مراجعه می‌کنند.

پس از آن مسؤول پلیس ملی است (کمسیونر پلیس) که مدیران پلیس برای مایل اداری و اجرایی به ایشان مراجعه می‌کنند. در هر مرکز پلیس چهار بخش فعالیت دارد ۱- بخش دادیاران (حقوقدانان) ۲- بخش پلیس جنایی ۳- بخش نظامی و افرادی که با یونیفرم پلیس هستند ۴- بخش کادر اداری که در رأس بخش‌ها فرمانده مرکز قرار دارد. فرق پلیس دانمارک با سایر کشورها در این است که بخش دادستانی از پلیس جدا نیست و همکاری تنگاتنگی بین دادیاران و پلیس جنایی وجود دارد.

پلیس جنایی به دو طریق فعالیت خود را شروع می‌کند یا با شکایت شاکی و یا در جایی که با قانون مخالفت شده است با تهیه گزارش مزیت دادیارانی که در مرکز پلیس هستند این

است که به مردم اطمینان می‌دهند که کار پلیس کاملاً قانونی است و در این امر نظارت دقیق دارند هم چنین وظیفه دارند بجز جرائم رانندگی تا دادگاه طرفین را همراهی کنند حتی در دادگاه نیز حاضر شوند.

اینها بخشی از پلیس هستند ولی در آینده می‌توانند بعنوان قاضی فعالیت نمایند. آنها اشخاص بی‌طرفی هستند که در صورت بیگناهی شخص متهم مراتب بیگناهی او را به اطلاع دادگاه برسانند. پس از وصول شکایت یا ارتکاب عمل خلاف

### فرق پلیس دانمارک با سایر کشورها در این است که بخش دادستانی از پلیس جدا نیست و همکاری تنگاتنگی بین دادیاران و پلیس جنایی وجود دارد

دیگری که از آن متأثر شود خواه توسط یک مقام بشد یا با تشویق وی توسط فرد دیگری انجام شود. درد و رنجی که ناشی از تصادف، حادثه یا مجازات قانونی باشد شکنجه محسوب نمی‌شود. کنوانسیون اشاره کرده که اقدام موهن و غیر انسانی نیز شکنجه است. کمیته منع شکنجه دارای ۱۰ عضو بوده که یکی از آنها پزشک دانمارکی است و وظایف سنگینی دارند در حال حاضر ۱۳ کشور عضو هستند که یا بر اساس گزارش‌هایی که از کشورهای عضو دریافت می‌دارند کار خود را شروع می‌کنند یا بر اساس بازپرسی‌های غیر رسمی که می‌توانند انجام دهند اقدام می‌نمایند هم‌اکنون در حال اضافه نمودن یک پروتکل هستند که بر اساس آن بتوانند بدون اطلاع کشور عضو از داخل زندانها بازدید کنند و هر گاه تعداد اعضاء به ۲۰ کشور برسد این پروتکل الزامی می‌شود.

در رابطه با مقرراتی که راجع به شکنجه بازداشتی‌ها وجود دارد مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ کنوانسیون منع شکنجه در ارتباط با اینکه حتی اگر شکایتی از سوی متضرر مطرح نشود کمیته حق بازرسی و پی‌گیری دارد و افابری که ناشی از شکنجه باشد قابل ترتیب اثر نیست و قربانی حق شکایت دارد و باید توسط مقامات حمایت شود موزی را اشاره کرده است.

در دانمارک سازمانی تحت عنوان سازمان بازپرسی قربانیان شکنجه فعالیت دارد که به این امر رسیدگی می‌کند این مؤسسه یک سازمان بین‌المللی و غیر دولتی است و رئیس آن عضو کمیته منع شکنجه است.

در ادامه جلسه آقای دکتر بنت سارنسن (bent Sorensen) عضو کمیته منع شکنجه سازمان ملل مختصراً در مورد اهداف و انواع شکنجه توضیحاتی را ارائه نمود ایشان اظهار داشتند که این کمیته از سال ۱۹۷۳ تحت نظارت سازمان عفو بین‌الملل کار خود را شروع کرده است در حال حاضر ۲۴۰ مرکز در سراسر دنیا و سی هزار پرونده را در هر سال بررسی می‌کنند شکنجه به نظر وی در حکومت‌های دیکتاتوری و اقتدارگرا استفاده می‌شود و به عنوان ابزاری برای حفظ وضعیت دیکتاتوری است. هدف از شکنجه اضطراب در کل جامعه به منظور رسیدن به یک مقصود خاص است گروه‌هایی که مورد شکنجه قرار می‌گیرند از اقلیت‌های نژادی، (کردها، ترک‌ها) مدافعین حقوق بشر، افراد صنف یا اتحادیه، سیاست مدارها، دانشجویان و زهران گروه‌های دانشجویی، روزنامه‌نگاران و همه آنهایی که بخاطر دموکراسی علیه دیکتاتوری می‌جنگند تشکیل می‌شود.

• منتهای شکنجه:

روش‌های فیزیکی: ۱- ایراد ضرب ۲- توهین‌های جنسیتی (علیه زنان) ۳- شکنجه الکتریکی ۴- شکنجه آبی ۵- سوزاندن ۶- آویزان کردن ۷- شکنجه پزشکی ۸- قطع عضو ۹- خستگی مفرط فیزیکی ۱۰- روش‌های دیگر.  
روش‌های روانی: ۱- ایزوله کردن (انفرادی نگه

داشتن) ۲- گذاشتن اسلحه بدون گلوله روی شقیقه شخصی و کشیدن ماشه آن ۳- الزام به انتخاب یک فرد برای از بین بردن از میان دو دست.  
در جلسه بعدی از بیانات آقای فرگوس کریگان که در مورد استانداردهای بین‌المللی، آزادی و امنیت شخصی و دادسرای عادلانه صحبت نمود چنین استفاده شد که چهار اصل پایه‌ای در دادسرا منصفانه وجود دارد که عبارتند از ۱- اصل قانون‌مندی یا حاکمیت قانون ۲- تساوی بازوها یا سلاح‌ها ۳- بیگناه انگاشتن طرف (فرض برائت) ۴- تساوی در برابر قانون.

در ادامه بحث ایشان اضافه نمود که هربرت پکر حقوقدان آمریکایی دو مدل از عدالت کیفری را مطرح کرد یکی مدل کنترل جرم (crime control model) و دیگری مدل حاکمیت قانون (due process model) در یک طرف باید جنایت کنترل گردد و از طرف دیگر باید از افراد حمایت شود در مدل اول همیشه منافع حکومت و جامعه را در نظر می‌گیرند تا منافع افراد را در حالی که در مدل حکومت قانون به منافع فرد اهمیت بیشتری داده می‌شود در مدل کنترل جرائم تأکید روی جامعه و حکومت است احترام به قانون به

جهت حمایت از حکومت است و رسیدگی کیفری باید دو ویژگی داشته باشد مؤثر و سریع باشد.

تجدید نظر نباید روند طولانی داشته باشد در این مدل مسئله مهم در رسیدگی کیفری رعایت عدالت و حفظ نظام کیفری است و فرد اهمیت ندارد ولی در مدل حاکمیت قانون فرد اهمیت بسزایی دارد سیستم کیفری

نباید حقوق افراد را نقض کند اصطلاحی در این مدل هست که می‌گوید ۱۰ مجرم فرار کند بهتر است از اینکه یک مجرم بیگناه را محاکمه کنند.

تا بحال سیستمی نبوده که ادعا کند هیچ اشتباهی نکرده است چون انسان خطا کار است بنابراین سیستم قضایی نیز مرتکب اشتباه می‌شود در مدل حاکمیت قانون امکان تجدید نظر وجود دارد دسترسی به وکیل و انعطاف‌پذیری هست در این مدل لازم نیست که سیستم کیفری صد در صد انسجام داشته باشد راهی برای فرار نیز باید باشد در مقایسه این دو سیستم این نتیجه حاصل می‌شود که در مدل اول احتمالاً تعداد گناهکاران آزاد کم است ولی امکان دارد افراد بیگناه زیادی به زندان بروند در حالی که در مدل دوم مجرمین زیادی هستند که زندان نمی‌روند ولی در مقابل بیگناهان نیز کمتر به زندان می‌روند مدل اول را همانند خط تولید یک کارخانه فرض کرده‌اند که تا آخر روی یک ریل پیش می‌رود ولی در مدل دوم روی این خط مانع ایجاد می‌شود و این مانع ممکن است دادستان باشد در حال حاضر اروپایی‌ها به سمت مدل اول پیش می‌روند.

• شرح بازدید از دادگاه محلی شهر هیلرود: بنا به گفته آقای پیتتر گارد (mr.peter.garde) قاضی جنایی و رئیس دادگاه هیلرود در دانمارک در هر شهری یک دادگاه محلی وجود دارد که به تمام دعاوی رسیدگی می‌کند به مسایل مدنی و حتی خانواده نیز رسیدگی می‌نماید اگر اختلاف مالی بیش از مبلغ یک میلیون کرون باشد دادگاه عالی حق رسیدگی دارد، برای متهمی که توانایی مالی ندارد از طرف دولت وکیل مجانی انتخاب می‌شود در هر منطقه‌ای لیستی از وکلای دادگستری در دادگاه موجود است که اگر متهم خودش انتخاب نکند به ترتیب لیست برای او با هزینه دولت وکیل انتخاب می‌شود پلیس بیش از ۲۴ ساعت (۲۴/۵۰) حق بازداشت متهم را ندارد و در این مدت باید او را نزد قاضی ببرند یا وی را آزاد کنند.

• نحوه رسیدگی

در پرونده‌های سبک مثل امور خلافی (سرعت غیر مجاز با عبور از چراغ قرمز) که جرمه آن ۱۰۰۰ یا ۱۵۰۰ کرون است پلیس یک نامه برای شخص خطاکار نوشته و اتهام وی و مبلغ جرمه را در آن درج می‌کند در صورتی که پرداخت کرد پرونده بسته می‌شود در غیر

این صورت اگر متهم پاسخ نامه را ندهد یا به پلیس بگوید من مقصر نیستم پس از یک یا دو ماه پرونده نزد قاضی محلی می‌آید که اینگونه موارد ۱/۵ کل پرونده‌ها را تشکیل می‌دهد در این زمان قاضی برای حضور متهم در دادگاه نامه‌ای می‌فرستد و او را برای یک روز و ساعت معین دعوت می‌کند ولی او نمی‌آید اگر قاضی

مطمئن شود که نامه به دست متهم رسیده است و مجازات فقط جرمه باشد حق دارد که اولاً محکوم کند ولی در صورتی که همراه تخلف مذکور سرقت یا خشونت نیز واقع شده باشد بدون حضور متهم نمی‌توان او را محکوم کرد در اینجا پرونده را در اختیار یک وکیل مدافع قرار می‌دهد تا آنرا مطالعه و سپس دفاع نماید و به پلیس دستور می‌دهد تا متهم را در روز موعود حاضر نماید در صورتی که متهم اعتراف نماید قاضی به تنهایی تصمیم می‌گیرد و اعتراف وی را قاضی باید شخصاً بشنود چرا که اعتراضش در نزد پلیس کافی نیست در این مورد تقاضای شاهد نیز نمی‌شود در سطح دانمارک ۵۰ هزار پرونده مطرح می‌شود که دادگاه بدون حضور متهم وی را جرمه می‌کند ولی در ۱۰ هزار پرونده دیگر با اعتراف متهم حکم صادر می‌شود.

در پرونده‌هایی که متهم اعتراف نکرده یا پرونده‌های سنگین قاضی حق ندارد تنهایی رسیدگی کند باید با حضور هیأت (منصفه) تصمیم گیری نماید.

بجز قاضی دو نفر دیگر که از طرف شهرداری برای مدت چهار سال انتخاب شده‌اند کنار قاضی در

در دانمارک  
سازمانی تحت عنوان  
سازمان بازپرسی قربانیان  
شکنجه فعالیت دارد که به  
این امر رسیدگی می‌کند این  
مؤسسه یک سازمان بین‌المللی  
و غیردولتی است و رئیس آن  
عضو کمیته منع شکنجه است

• میزان حقوق :

قاضی دادگاه ( با سابقه ) ۵۰ هزار کرون و قاضی جوان ( کم سابقه ) ۳۰ هزار کرون در ماه. قبل از کسر مالیات، حقوق دریافت می‌نمایند بیشترین حقوق متعلق به قضات دیوان عالی کشور است هیأت منصفه برای هر روز ۱۱۰۰ کرون و وکیل مدافع در ساعت ۲۰۰۰ کرون درآمد دارد.

اظهارات آقای لرسی پلوم (mr. Lars.plum) دادستان کپنهاک راجع به رعایت حقوق مطنونین و قربانیان جنایت در دانمارک قبل از محاکمه:

حقوق بشر مسئله پایه‌ای حقوق بین الملل است که صرفاً اختصاص به غرب ندارد بلکه در مسیحیت و حتی اسلام نیز وجود دارد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیوان اروپایی حق مطنونین خیلی مورد توجه قرار گرفته است وظیفه قضات است که این حقوق را محترم بشمارند تا مثلاً کسی شکنجه نشود، پلیس بدرفتاری نکند، در سال ۱۹۸۰ ما برای کسی که شکنجه دیده بود هیچ فکری نکرده بودیم حتی می‌گفتند که قربانی یک شاهد است او فراموش شده بود. ارتباطی بین مجرم و قربانی نبود کم کم دنبال راه چاره گشتیم و تصمیم گرفتیم صحبت کنیم تا یک رابطه‌ای برقرار کنیم و دریافتیم که قربانی یک نقشی در روند رسیدگی

دارد سپس به شاهد احترام گذاشتیم و یک حقوقی را برای او در نظر گرفتیم از حالت فردی گذشتیم و به قربانی گفتیم فقط تو آسیب ندیده‌ای متهم نیز حقوقی دارد که حکومت باید آنرا در نظر بگیرد. در دانمارک کل بررسی اولیه را پلیس انجام می‌دهد و بر اساس قانون پلیس به متهم اطلاع می‌دهد که حقوقش چیست؟

در ۱۹۲۰ در دانمارک قاضی رئیس پلیس بود آن موقع این بحث در گرفت که پلیس و قاضی را از یکدیگر تفکیک کنند چون پلیس‌ها حقوقدان نبودند بالاخره به این نتیجه رسیدند که در ایستگاه پلیس هم یک دادستان بگذارند در حال حاضر پلیس و دادستان در مرکز پلیس با هم فعالیت دارند ولی قصد دارند در آینده مثل کشورهای دیگر آنها را از یکدیگر جدا کنند. کسی که شکایتی دارد به پلیس مراجعه می‌کند و پلیس نیز به اطلاع دادستان می‌رساند پلیس در ابتدا باید تشخیص دهد که این شکایت یا گزارش یک دعوی هست یا خیر در صورتی که نباشد نمی‌تواند مضمون را متهم کند اما به محض وقوع جنایت پلیس از مطنونین اطلاعاتی را دریافت می‌کند و اولاً می‌سنجد حقوقش را برای او بازگو می‌نماید و برایش وکیل می‌گیرد به او می‌گوید که می‌تواند تا وکیلش نیامده هیچ

سمت راست و چپ او می‌نشینند و در امر رسیدگی به قاضی کمک می‌کنند اینها همانند قاضی دارای هستند رأی اکثریت صادر می‌شود رأی مخالف نیز نوشته می‌شود حتی این دو نفر حق دارند که رأی قاضی را کنار بگذارند در همان روز وکیل نیز باید حاضر شود اینگونه پرونده‌ها را دادیار قبلاً تحقیق کرده و دلایل قوی باشد یا بیم تبانی با شهود باشد به پیشنهاد دادیار قاضی دادگاه قرار بازداشت متهم را صادر می‌نماید و این قرار ۴ هفته ادامه دارد و برای بار دوم نیز قابل تمدید است ولی ممکن است قاضی به دادیار بگوید ضرورتی به تمدید بازداشت نیست و ظرف ۱۴ روز به شما مهلت می‌دهم تا تحقیقات را به اتمام برسانید در کل، از ۲۰ مورد یک مورد آنرا بازداشت و ۱۹ تای آنرا آزاد می‌کنند پلیس نیز گزارش خود را در سه نسخه تنظیم می‌کند که یک نسخه را به دادیار و یکی را به قاضی دادگاه و یکی دیگر را توسط قاضی به آدرس وکیل می‌فرستد وقتی دادیار تحقیقات خود را بطور کامل انجام داد و تشخیص داد که محتویات پرونده به صورتی است که متهم محکوم می‌شود آنرا برای رسیدگی به دادگاه می‌فرستد در غیراینصورت به مدعی و پلیس می‌گوید این پرونده را نمی‌توان به دادگاه فرستاد به جهت اینکه متهم بیگناه است.

در روز دادرسی قاضی در یک جای بلندی می‌نشیند منشی وی نیز در کنار دولت در قسمت راست دادیار و سمت چپ وکیل و وسط متهم نشسته است بعد دادیار موضوع پرونده را مطرح می‌نماید و حتی شهود را نیز دادیار در دادگاه حاضر می‌کند قبل از اینکه دادیار از متهم سؤال کند به متهم اجازه داده می‌شود که با وکیلش تنهایی صحبت نماید و به او گفته می‌شود که حق دارد جواب سؤالات را ندهد، اگر خارجی باشد یک مترجم برای او انتخاب می‌کنند ولی تا پایان محاکمات حق خروج از کشور را ندارد در صورتی که قبلاً قرار بازداشت متهم صادر شده باشد قاضی او را از زندان به محاکمه دعوت می‌کند در دادگاه بازجویی و پرسش همیشه از طرف دادیار است ولی قاضی نیز حق دارد از متهم سؤال کند و وکیل نیز این حق را خواهد داشت. دادیار اظهارات شهود را نیز به استماع دادگاه می‌رساند وکیل حق دارد به اظهارات شهود اعتراض نماید که در صورت لزوم قضایی از دادیار می‌خواهد که شهود را جهت استماع شهادت در دادگاه حاضر نماید پیش از ختم جلسه دادگاه رأی خود را صادر می‌نماید که این رأی در دادگاه عالی قابل تجدیدنظر است.

• راجع به آمار:

بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ فقره پرونده در سال، پرونده‌های مهم بوده که دادگاه آنرا با حضور هیأت تشکیل و تصمیم‌گیری می‌نماید و هزار پرونده نیز غیر مهم بوده که قاضی به تنهایی رسیدگی می‌کند در دانمارک سالیانه به ۲۵۰ هزار پرونده رسیدگی می‌شود که از این تعداد ۵۰ هزار فقره آن با حضور هیأت و از ۱۰ هزار فقره آن نیز تقاضای تجدیدنظر می‌گردد.



درس می‌دهد. بعثت ملاقات زندانیان در روزهای یکشنبه و سه‌شنبه هر هفته جلساتی برگزار می‌شود حتی افراد عادی نیز می‌توانند شرکت نمایند. مسلمانان روزهای جمعه آزادند که بیرون از زندان نماز جمعه بخوانند و برگردند و ایامی که برای آنان مقدس است مثل تولد حضرت پیامبر تعطیل هستند از نظر غذایی نیز برای آنها از گوشت حلال استفاده می‌شود.

از سالن ورزشی و کارگاه فنی نیز بازدید بعمل آمد اکثر وسایل ورزشی برای زندانیان مهیا شده بود پس از ساعت ۳ بعدازظهر که ساعت کاری تمام می‌شود سالن ورزشی باز است و بدمیتون، فوتبال و بدن سازی از جمله ورزشهایی بود که زندانیان در این رشته‌ها فعالیت داشتند. در کارگاه فنی از ساعت ۷/۵ صبح تا ۳/۵ بعد ازظهر زندانیان به کار مشغولند حتی تولیداتی نیز دارند که آنها را به شرکت‌های خصوصی و

دولت می‌فروشند. در مجموع ۷۵ درصد زندانیان کار می‌کنند و ۵۲ درصد بعثت مریضی یا مشکلات دیگر معذورند. کار اجباری نیست یا به آنهایی که کار می‌کنند حقوق می‌دهند و به زندانیانی که کار نمی‌کنند و عذری نیز ندارند فقط اجازه نمی‌دهند از اتاقشان خارج شوند.

علاوه بر حقوق به هر زندانی بابت غذای روزانه در هر روز ۵۰ کرون پرداخت می‌شود. زندانی حق دارد با فضای بیرون از زندان ارتباط برقرار کند از تلویزیون، روزنامه و تلفن استفاده کند حتی افرادی که وضع مالی خوبی دارند می‌توانند تلفن شخصی داشته باشند. اگر کسی رفتار خوب باشد هر سه هفته یک بار می‌تواند از زندان خارج شود. هر زندانی حق دارد به حقوق اجتماعی خودش ادامه دهد و وظیفه زندان این است که یک زندگی طبیعی در اختیار زندانی قرار دهد بعضی‌ها حق دارند برای تحصیل به مدرسه عادی و نیز دانشگاه خارج از زندان بروند و برگردند در داخل زندان نیز یک مدرسه وجود دارد که کامپیوتر و زبانهای انگلیسی و دانمارکی تدریس می‌شود. بعدازظهر جمعه و تمام شنبه و یکشنبه هر هفته روزهای ملاقات است.

زندانیها می‌توانند در اتاق ملاقات خانواده شان را ببینند یا می‌توانند آنها را با اتاق خودشان ببرند. میانگین سن زندانیان ۳۰ سال است ولی در این زندان از ۱۶ تا ۷۵ ساله زندانی دارند هر زندانی به تنهایی یک اتاق حدود بیست متر با کلیه امکانات اولیه زندگی در اختیارش قرار داشت. از زندان افرادی نیز بازدید شد که دارای همان امکانات اتاقهای عادی بوده و لیکن مساحت اتاق نصف زندان عادی بود و نکته آخر اینکه زندان به صورت الکترونیکی کنترل می‌شد نهایتاً با بازدید از زندان یاد شده، دوره در تاریخ هفدهم دسامبر ۲۰۰۵ مطابق با بیست و ششم آذر ماه ۱۳۸۴ به‌تمام رسید.

گزارش‌ها تمام وقایع و موارد را اعم از زمان و ... ذکر نماید و بعد اینکه تمام شکایت‌ها در پلیس ثبت شود که مبادا ناپدید شوند در دانمارک مهم است که ابتدا یک مشاور حقوقی در اختیار متهم بگذارند که هزینه‌اش را نیز دولت می‌پردازد ولی اگر وی محکوم شد باید هزینه‌اش را بدهد، مشاور حقوقی حق دارد که در ایستگاه پلیس تمام پرونده را در

اختیار بگیرد. حتی از آن کپی تهیه کند مگر اینکه امنیت کشور در خطر باشد در دانمارک ۲۵۰۰ وکیل فعالند مشاور حقوقی می‌تواند همیشه با متهم ارتباط داشته باشد. اما در مورد قربانی مهم‌ترین مسئله حمایت از شهود و قربانیان است فرد قربانی معمولاً تمایل دارد که از وضعیت متهم اطلاع داشته باشد بدین لحاظ یک افسر پلیس به این موضوع رسیدگی نموده که متهم چه مرحله‌ای را طی می‌کند

و این اطلاعات را در اختیار قربانی قرار می‌دهد در خلال محاکمه نیز یک وکیل یا خود دادستان باید روند دادگاه را برای قربانی توضیح دهد. با زنان و کودکان در این روند باید با احترام برخورد کرد. برای پی‌گیری این قضیه و نیز خشونت خانگی معمولاً از پلیس خائن استفاده می‌شود. مؤسسه‌ای در دانمارک وجود دارد که مرد را به آنجا می‌برند و به او یاد می‌دهند که خشونت با زنان راه حل نیست راه چاره دیگری را باید پیش بگیرد.

مکان دیگری که از آن بازدید بعمل آمد زندان مورد قاپ (Tyderup) بود. بنا به اظهارات آقای هنس یوگان ان بو (mr.Hans Jorgen Enbo) استاد دانشگاه و رئیس زندان، این زندان ۱۸ سال پیش ساخته شده و یک زندان باز است اکثر زندانهای دانمارک جزء زندانهای باز محسوب می‌شوند بعثت اینکه در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ که کشور دانمارک تحت اشغال آلمان بوده پس از تمام جنگ حدود ۲۰۰۰۰ نفر را بعنوان خائن دستگیر و آماده زندان کردند در حالی که در سطح دانمارک جای فقط ۳۰۰۰ زندانی بود بناچار از بعضی اماکن دیگر مثل مدارس استفاده نمودند که این روند ادامه یافت اکنون ۹۰ درصد افراد در زندانهای باز جایگزین می‌شوند و فقط افراد خطرناک به زندان بسته می‌روند تنها فرق زندان باز و بسته نداشتن دیوار است و هر کسی فرار کند یا به زندان بسته می‌رود یا حکم به ۳۰ روز زندان برای او صادر می‌شود از ۴۰۰ نفر زندانی امسال فقط ۴ نفر فرار کرده‌اند آن هم بخاطر اختلافاتی که در زندان با زندانیان دیگر داشته‌اند. هم چنین کسی که بدرفتاری کند به زندان بسته اعزام می‌شود.

از یک زندان نیز بازدید شد و کشیش آنجا توضیح داد که ۷۵ درصد وقت خودش را برای زندانیان می‌گذارد در ماه دیوار از کتاب مقدس

صحبتی نکنند. برای دستگیری یا بازداشت متهم پلیس و دادستان به دادگاه می‌روند قاضی کسی است که می‌نشیند و تصمیم می‌گیرد او می‌بایست در دانشگاه نیز باشد و کار فکری کند موارد خیلی کمی شخص می‌تواند بطور مستقیم به قاضی مراجعه کند مثل افتراء به قضات برای اخذ رشوه، شاید در کل دانمارک همین یک مورد باشد وظیفه دادستان در مرکز پلیس این است که نظارت کند حقوق متهم پایمال نشود. پلیس ضمن اینکه حق و حقوق متهم را به وی تذکر می‌دهد از طرفی مردم را منقاد می‌کند که شکایت نکنند هم چنین خیلی محتاط باید حرف بزند برای مشکل آنها یک راه حل مناسب پیدا کند پلیس خدمتگذار مردم است پنبسی که فرهنگ خدمت نداشته باشد فوراً به جاهای دیگر منتقل می‌شود مهم‌ترین اسلحه پلیس گشت حقیقت است به این خاطر در انتخاب افراد برای تحصیل در دانشکده پلیس بسیار سخت‌گیری می‌شود وقت می‌شود که افراد متواضعی باشند افرادی که دارای اعتماد به نفس بوده و روحیه خدمت داشته باشند و بتوانند مشکلات را حل کنند نه مشکل آفرین باشند.

اولین چیزی که حاکی از عدم نقض حقوق بشر در ایستگاه پلیس است این است که پلیس در کل

